

خاطرات یک خبرنگار

به قلم

سعید نیکوکار

نیکوکار، سعید.

خاطرات یک خبرنگار / سعید نیکوکار. -- قم: سرور، ۱۳۸۴.

۲۲۰ ص.

ISBN 964 - 6314 - 34 - 1

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. نیکوکار، سعید، -- خاطرات. ۲. خبرنگاران و خبرنگاری -- ایران. الف. عنوان.

۰۷۹/۵۵۰۹۲

۷۸۵ ی ۹ الف / PN۵۴۴۹

۸۴-۸۵۱۳ م

کتابخانه ملی ایران



قم، خیابان حجتیه، کوچه ۴، تلفاکس ۷۷۳۶۸۱۰، صندوق پستی ۴۹۶ - ۳۷۱۸۵

خاطرات یک خبرنگار

مؤلف : سعید نیکوکار

ناشر : انتشارات سرور

نوبت چاپ : اول

لیتوگرافی : تیزهوش

چاپ : ستاره

تاریخ انتشار : ۱۳۸۴ ه. ش

تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه

بها : ۱۰۰۰ تومان

※ کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است ※

شابک ۹۶۴-۶۳۱۴-۳۴-۱

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۵
----------	----

فصل اول

حکایت استخدام

مراجعة به خبرگزاری	۲۳
شرکت در گزینش اولیه	۲۴
قدم اول برای راهیابی به خبرگزاری برداشته شد	۲۵
شرکت در کلاسهای دانشکده خبر	۲۶
انجام اولین مصاحبه مطبوعاتی	۲۷
راهیابی به سازمان خبرگزاری	۲۹

فصل دوم

شروع به کار در سازمان خبرگزاری

اشتغال در واحد شهرستانها	۳۳
بله درد سر آفرین	۳۴
تنظیم اولین خبر	۳۵
با یک خبر دو خبرنگار بیکار شدند	۳۶

۳۷	ارسال خبر نماز جمعه همزمان با برپایی آن
	روزها خبر پیشروی رزمندگان اسلام و شبها خبر بازگشت به نقاط
۳۹	اولیه
۳۹	سر دبیر: خسته شدی کار نکن
۴۰	یادی از دو تن از دوستان
۴۲	شرکت در مراسم غبار رویی ضریح امام رضا (ع)
۴۳	دیدار از مزارع و دامپروری آستان قدس رضوی
۴۴	رفتن بر فراز بام‌های مجاور بارگاه امام رضا (ع)
۴۵	استان مرکزی (اراک) به نام من رقم خورد

فصل سوم

۱۰ سال فعالیت در اراک

۴۹	خاطرات سفر به اراک
۴۹	پیگیری برای یافتن مکان دفتر
۵۰	نمازخانه یک اداره مکان اولیه خبرگزاری در اراک
۵۱	شهادت رابط خبری خبرگزاری اراک
۵۲	مکانی برای خبرگزاری اراک تهیه شد
۵۴	سال ۶۰ پایه گذاری خبرگزاری در استان مرکزی
۵۵	مراجعه به سازمان جهت توسعه اداره
۵۶	یک خبرنگار خبره برای مرکز اراک تعیین شد
۵۸	اختلاف با خبرنگار خبره
۵۹	شرکت در سمینار سراسری کرمان
۵۹	سفر به بندر عباس و جزایر قشم و هرمز

اولین غرفه نمایشگاه هفته دفاع مقدس به خبرگزاری اختصاص	
یافت	۶۰
چاپ و توزیع بولتن های خبری	۶۱
منافقین بدتر از کفار	۶۴
خانه تیمی	۶۵
۷ تیر ماه سال ۶۰	۶۶
اراک، سردترین شهر کشور	۶۶
آرشیو خبرهای چاپ شده	۶۷
جایگاه قم	۶۸
خودسوزی یک مسوول	۶۹
اعتراض به یکی از مقامات استان مرکزی	۶۹
مراسم بزرگداشت میرزا تقی خان امیرکبیر در اراک	۷۰
مصاحبه استاندار با خبرنگار روزنامه اطلاعات	۷۱
وقوع سیل و انعکاس یک خبر	۷۲
آلومینیوم اراک تعطیل که نشد، یک کارخانه عظیم در بندرعباس	
زده شد	۷۴
شهرستانهای استان مرکزی در یک نگاه	۷۵
شهرستان خمین	۷۵
تفرش	۷۶
آشتیان	۷۶
محلات	۷۶
دلیجان	۷۷
سربند	۷۷

۷۸	 علاقه به کار بدون هیچگونه چشمداشتی
۷۸	 طرح صادرات کالاهای کوپنی
۷۹	 گفت وگو با یک مخترع ایرانی
۸۰	 دیدار از جبهه‌های نبرد
۸۲	 گفت وگو با امیر سپهبد شهید صیاد شیرازی
۸۴	 توقع اسرای عراقی
۸۴	 پنجم خونین مرداد ۶۵ اراک
۸۶	 بازدید غیر منتظره از یک کارخانه
۸۸	 توزیع ماهی‌های فاسد
۸۹	 سه وزارتخانه صنعتی لازم نیست
۹۰	 اختلاف دو روحانی مسوول در یک شهر
۹۱	 انتقاد یک مدیر کل از چاپ یک خبر
۹۲	 مملکت دلسوز کم دارد
۹۲	 من کجا و این مسوولیت کجا
۹۳	 شدت بمبارانهای اراک
۹۴	 اتفاقی که نباید افتاد
۹۶	 حکمی لغو شد که صادر نشده بود
۹۶	 ثبت مجروحیت در تأمین اجتماعی و بنیاد جانبازان
۹۷	 باز شدن چشم بصیرت
۹۸	 امام رضا علیه السلام مرا شفا داد
۹۹	 انتقاد از مسوولان مربوطه به خاطر نحوه برخورد با من
۹۹	 تلخ‌ترین روزهای زندگی‌ام

فصل چهارم

عزیمت به تهران و فعالیت در سازمان مرکزی

- مسئولیت انتشار بولتن جهان اسلام بر عهده من گذاشته شد ۱۰۳
- شروع به کار در یک روزنامه صبح ۱۰۴
- به استخدام رسمی سازمان درآمد ۱۰۴
- تهیه و چاپ تحلیلی در باره کنفرانس صلح خاورمیانه ۱۰۶
- تصمیم برای آمدن به شهرم و پشت پا زدن به پیشرفت ۱۰۷

فصل پنجم

به شهرم ساوه آمدم

- می خواهم به زندگی ام پردازم ۱۱۳
- مسئولیت دفتر ساوه بر عهده من گذاشته شد ۱۱۵
- جبران محرومیت های گذشته ۱۱۶
- ساوه گنجینه ای از آثار تاریخی ۱۱۸
- محرومیت شهر ساوه به لحاظ فرهنگی و هنری و امکانات رفاهی
و تفریحی ۱۲۰
- کمبود نیروهای متخصص درمانی در ساوه ۱۲۱
- تلاش بر تأسیس و تقویت برخی از ادارات دولتی ۱۲۲
- نام روستای چمران ساوه پرآوازه شد ۱۲۳
- حاضرم کلیه ام را برای ازدواج بفروشم ۱۲۳
- افشای شایعه کذب معجزه ۱۲۴
- یادواره سرداران و ۸۰۰ شهید ساوه برگزار شد ۱۲۵
- شاعر امی ساوجی به مردم کشور معرفی شد ۱۲۶

۱۲۷	برپایی همایش جهانی سلمان ساوجی در ساوه
۱۲۸	روحانی کشاورز
۱۲۹	راز ناشناخته «ابه»
۱۳۰	نوآموز ساوجی به دانشگاه راه یافت
۱۳۰	پایان ۱۱۴ سال زندگی
۱۳۱	طرح عدم بهره‌مندی از مزایای سفر خارج از کشور
۱۳۲	موافقت با عزیمت به ایتالیا
۱۳۳	ایتالیا نمی‌ررم، می‌خواهم به مکه بروم

فصل ششم

سفر به عتبات عالیات و کربلای معلی

۱۳۷	درخواست زیارت خانه خدا در بارگاه امام حسین علیه السلام
۱۳۸	موافقت با سفر حج

فصل هفتم

عزیمت به مدینه منوره و مکه معظمه برای انجام مناسک حج

خورشید در مدینه منوره به جانب مسجدالنبی و قبور ائمه بقیع

۱۴۴	طلوع می‌کند
۱۴۵	درخواست من در کربلا برای رفتن به خانه خدا اجابت شد
۱۴۹	حکایت وجه قربانی
۱۵۰	عکس یادگاری با نخست وزیر محبوب
۱۵۱	در مکه هم دست از این کارها برنمی‌دارید
۱۵۲	سکوت محض در بیت الله الحرام

۱۵۲	راضی‌ام به رضای تو.....
	تمامی مساحت مدینه صدر اسلام به فضای مسجدالنبی اختصاص
۱۵۳	یافته است.....
۱۵۴	در منی به من سخت گذشت.....
۱۵۶	برنامه امشب چیست.....
۱۵۷	شنیدن خبر خوشحالی خرید ساختمان برای دفتر ساوه در مکه ...
۱۵۸	افتتاح ساختمان دفتر خبرگزاری ساوه.....
۱۵۹	درخواست بازنشستگی.....
۱۶۰	تجلیل از بنده.....

فصل هشتم

سفر به کشور افغانستان

۱۶۵	کابل، روستایی بزرگ.....
۱۶۷	پایان بحران ۲۳ ساله.....
۱۶۸	لزوم تأمین امنیت.....
۱۶۹	تعویض اسکناسهای قدیمی.....
۱۷۰	کابل و مشکلات بهداشتی.....
۱۷۰	لزوم توجه به امر بازسازی.....

فصل نهم

سفر به سوریه به عنوان شیرینی بازنشستگی

۱۷۵	به افتخار بازنشستگی نایل آمدم.....
۱۷۶	خبرنگار انقلاب بازنشسته شد.....

۱۷۷	 شرحی کوتاه بر ۲۲ سال تلاش
۱۷۹	 سفر به سوریه

فصل دهم

رهایی از فعالیت حرفه‌ای

۱۸۵	 نوشتن ۸۰۰۰ صفحه خبر
۱۸۶	 فرصت لازم برای مطالعه
۱۸۷	 آشنایی با کلام خدا
۱۸۹	 دقت در انجام تکالیف دینی
۱۹۰	 اهمیت سفر

فصل یازدهم

نگاهی بر وقایع انقلاب اسلامی از آغاز تا کنون

۱۹۳	 انقلاب اسلامی معجزه الهی
۱۹۴	 رهبری امام و هدایت صحیح انقلاب
۱۹۵	 اراده ملت برای پیروزی و تداوم انقلاب
۱۹۷	 استحکام نظام دست مخالفین و دشمنان انقلاب را رو کرد
۱۹۸	 تحمیل جنگ ۸ ساله بر ملت ایران
۱۹۹	 توطئه دوم و محاصره اقتصادی
۲۰۰	 توطئه اخیر و هجمه تبلیغاتی و ترویج فرهنگ ابتذال
۲۰۰	 وظیفه خطیر مسوولان ذیربط در مقابله با توطئه فرهنگی
	 باید نسبت به تحکیم اعتقادات مذهبی مردم کار اساسی صورت
۲۰۱	 گیرد

فصل دوازدهم

برداشت‌های اعتقادی و شخصی

۲۰۷	 خداشناسی
۲۰۸	 توسل به قرآن کریم و ائمه طاهرين علیهم‌السلام
۲۱۰	 هیچ انسانی مبرا از گناه و معصیت نیست
۲۱۰	 انجام واجبات و ترک محرمات
۲۱۱	 اعتقاد به معاد و آخرت
۲۱۲	 نماز، اوج عبودیت و بندگی انسان
۲۱۳	 اعتقاد شخصی درباره‌ی خواست خدا
۲۱۷	 سخن آخر

www.ketab.ir

پیشگفتار ❀

بسم الله الرحمن الرحيم

حرفه خبرنگاری از دیدگاه بنده (خبرنگار) حرفه‌ای بسیار مهم، خطیر و حساس است، خبرنگار به عنوان فردی امین باید همواره در جستجوی واقعیت‌های جامعه باشد و قلم او در جهت روشن شدن حقایق بنویسد.

بارها بنده در هنگام فعالیت از خبرنگار به عنوان چشم و گوش مردم یاد کرده‌ام، خبرنگار باید دیده‌ها و شنیده‌ها را خوب انتقال دهد.

به قول دوستی، یک خبرنگار باید مانند عقاب لحظه‌ها را شکار کند چرا که خبر به لحظه‌ها بستگی دارد و اگر خبرنگار نتواند از این لحظه‌ها به خوبی استفاده کند یقیناً در انجام رسالت سنگین خود با مشکل مواجه خواهد شد.

ما چون در جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم حرفه خبرنگاری را باید با واقعیت‌های اسلامی بسنجیم، زمانی که ما می‌بینیم در قرآن کریم خداوند تعالی به قلم سوگند یاد کرده است آنگاه ارزش و اهمیت قلم را به خوبی درک می‌کنیم.

قلم یک خبرنگار از ارزش و اعتبار بسیاری برخوردار است چرا که او در پی واقعیت و انتقال آن به مردم جامعه است، اگر خدای ناکرده این قلم در جهت احساسات و عواطف شخصی و گروهی به کار گرفته شود آن زمان است که این قلم اعتبار خود را فروخته و ارزش خود را از دست داده است.

یک خبرنگار باید به دور از دغدغه‌های شخصی و گروهی به حقیقت مطلب بیندیشد و در راستای انتقال صحیح آن گام بردارد. متأسفانه حرفه خبرنگاری را حرفه‌ای که با هو و جنجال همراه است بعضاً قلمداد می‌کنند در حالی که عمده‌تاً این خبرنگار نیست که هو و جنجال ایجاد می‌کند بلکه این هو و جنجال را دیگران که آن خبر و یا گزارش برای آنان نفع و یا ضرر دارد بوجود می‌آورند. در جوامع غربی شاید هو و جنجال با حرفه خبرنگاری همراه باشد اما باید دانست هو و جنجال زمانی به کار می‌آید که احیاناً خبرنگار در تفکر خودنمایی و مطرح کردن بنگاه خبری خود است و یا قصد طرفداری از باند و گروهی را دارد.

ما معتقدیم در فضایی آرام و به دور از تنش می‌توان به واقعیت دست یافت بنا بر این خبرنگار برای دستیابی به واقعیت نه تنها به دنبال هو و جنجال نیست بلکه همواره به فضایی آرام و به دور از تنش نیاز دارد.

در اینجا قصد دارم به دو مشکلی که در جامعه ما گریبانگیر

خبرنگاران است اشاره کنم، مشکل اول اینکه متأسفانه مسوولان در جامعه ما فکر می‌کنند خبرنگاران نیز نظیر سایرین باید همواره از آنان تعریف و تمجید کنند و انتقاد از آنان را به حساب انتقاد از نظام و یا روحیه بدبینی خبرنگار می‌گذارند.

وجود روحیه تعریف و تمجید در بین اغلب مسوولان باعث شده خبرنگاران در بیان انتقادات و مشکلات ناکام بمانند.

برای حل این معضل به نظر بنده در درجه اول مسوولان باید روحیه انتقاد پذیری خود را بالا ببرند و در درجه دوم خبرنگاران باید بدانند بیان مشکلات و کاستی‌ها از اولویت برنامه کاری آنان است.

مشکل دوم که متأسفانه حداقل در بعد از انقلاب به چشم می‌خورد این است که اغلب خبرنگاران با مشکلات مالی روبرو هستند. شما باید این واقعیت را بپذیرید تا زمانی که یک خبرنگار با مشکل مالی مواجه است آنطوری که باید و شاید نمی‌تواند از قلم خود در جهت رسالت سنگینی که بر عهده دارد صحیح استفاده کند.

ضمن ارج نهادن به حرفه خبرنگاری که می‌تواند در سلامت جامعه بسیار نقش آفرین باشد متذکر می‌شوم در نیل به این هدف نیاز است که مردم و مسوولان با خبرنگاران نهایت همکاری را داشته باشند.

از سوی دیگر نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که سلاح اصلی خبرنگار دانش همراه با تخصص اوست، یک خبرنگار که می‌خواهد مصاحبه شونده را به پاسخ وادارد باید از معلومات لازم در

رشته تخصصی خود برخوردار باشد.

چه بسیار اتفاق می افتد که بخاطر دانش کم خبرنگار، سؤال شونده از واقعیت می گریزد و به حق و حقیقت تن نمی دهد.

خرداد ۱۳۸۴

سعید نیکوکار